

A comparative analysis of the semantic components of "Tarqqob" in the Holy Quran with the focus on the idea of waiting

Dr. Rahman Oshrieh ¹
Amir Hossein Oshrieh ²

Abstract

Modern semantics has made available to scholars the methodological paths for explaining the most minute subtleties and nuances hidden in verses and narrations that were previously neglected. This descriptive and analytical study has conducted a comparative study of the words related to the concept of "waiting" in the Holy Quran, relying on the idea of waiting to infer the semantic components of these words. This method will play an effective role in a more accurate understanding of the semantic subtleties of the words. This analysis helps to identify suitable substitutes for "waiting" in Quranic texts and thus provide a better understanding of the meanings of the Quranic verses. On this basis, words that share the concept of waiting have been subjected to semantic exploration and have been evaluated and analyzed comparatively, focusing on words such as: "waiting", "waiting", "waiting", and "patience". The research data indicate that "waiting" in the description of the Imam Zaman (PBUH.) indicates the initial events of his movement, in which the Imam awaits great events and is concerned about the developments that are about to occur, and in the description of those who wait, waiting indicates a great thing that is accompanied by alertness and wisdom, not for minor needs.

Keywords: Waiting, comparative analysis, semantic components, the idea of waiting

1. Associate Professor, University of Holy Quran Sciences and Knowledge, Qom, Iran (Corresponding Author) (oshryeh@quran.ac.ir)
2. Level 4 scholar at Qom Seminary, Qom, Iran (hhosin142@gmail.com)



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر و موعود
سال هجدهم - شماره چهل و یکم
بهار و تابستان ۱۴۰۴

تحلیل مقایسه‌ای مؤلفه‌های معنایی «تَرْقُب» در قرآن کریم با محوریت اندیشه انتظار*

رحمان عشریه^۱

امیرحسین عشریه^۲

چکیده

معناشناسی نوین مسیرهای روشمندی را برای تبیین جزئی‌ترین ظرائف و دقایق نهفته در آیات و روایات که پیش‌تر مورد غفلت بوده در دسترس اندیشمندان قرار داده است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی مقایسه‌ای واژگان مرتبط با مفهوم «تَرْقُب» در قرآن کریم پرداخته است که با تکیه بر اندیشه انتظار به استنباط مؤلفه‌های معنایی این واژگان توجه نموده است و این روش در فهم دقیق‌تر ظرافت‌های معنایی واژگان، نقش مؤثری خواهد داشت. این تحلیل کمک می‌کند تا جانشین‌های مناسب «تَرْقُب» در متون قرآنی شناسایی شوند و بدین ترتیب، درک بهتری از معانی آیات قرآن فراهم آید. براین پایه واژگان دارای اشتراک با مفهوم انتظار مورد کنکاش معنایی قرار گرفته و با محوریت واژگانی همچون: «انتظار»، «تَرْبُص»، «تَرْصَد»، و «صَبْر» مورد ارزیابی و تحلیل مقایسه‌ای قرار گرفته‌اند. داده‌های پژوهش حاکی از آن است که «تَرْقُب» در وصف امام عصر عجل الله تعالی فرجه نشان از حوادث آغازین نهضت ایشان دارد که حضرت انتظار وقایع عظیم را می‌کشند و بر تحولاتی که بناست رخ بدهند نگران‌اند و اما در وصف منتظران، انتظار به مثابه امری عظیم که همراه با هوشیاری و خردمندی است نه برای حوائج جزئی، دلالت دارد.

واژگان کلیدی

تَرْقُب، تحلیل مقایسه‌ای، مؤلفه‌های معنایی، اندیشه انتظار.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) (oshryeh@quran.ac.ir).

۲. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، قم، ایران (hhosin142@gmail.com).

یکی از کلیدی‌ترین نکات برای دستیابی به معارف مذهبی از منابع دینی توجه به ظرائف و دقائقی است که در واژگان قرآنی و روایی نهفته است. با شناخت کامل و همه‌جانبه از واژگانی به کار رفته در عبارات می‌توان با دقت و توجه بیشتری نسبت به محتوای معارفی متون سخن گفت. کلمات ترقّب و ارتقاب از کلیدواژه‌ی قابل توجه در معارف مهدویت هستند. استفاده از این واژگان در توصیف حال امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف یا در ذکر حالات منتظران و عدم استفاده از سایر واژگان مترادف یا همسو باعث می‌شود که برای شناخت کامل از آنچه حضرت و مومنین بدان وصف شده‌اند احساس نیاز به بررسی‌های نوین و روشمند در این زمینه احساس شود. به خصوص آن‌که با توجه به جستجوی نگارنده در این زمینه، بررسی‌های علمی کمتری به چشم می‌خورد. با این اوصاف می‌توان گفت که بررسی معناشناختی واژگان ترقّب و ارتقاب برای دسترسی کامل‌تر به محتوای روایات این باب مدنظر نگارنده قرار گرفته است. در این جهت با عنایت بر این‌که واژگان مذکور از کلمات قرآنی هستند و با توجه به آیات همسو با واژگان مورد نظر مانند: «وَ اتَّقُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود: ۹۳). شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم! و روایات نیز با بهره‌گیری از آیات از این واژگان بهره‌برده‌اند، سعی می‌شود با کشف روابط مفهومی این کلمات در نظام واژگانی قرآن کریم به بررسی معناشناختی واژه‌های «ترقب» پرداخته شود.

واژه‌شناسی

در این بخش واژه «مؤلفه‌های معنایی» مورد بررسی قرار می‌گیرد:

مؤلفه‌های معنایی

در معناشناسی هر واژه‌ای این نکته قابل توجه است که آن کلمه با یک سری از واژه‌ها دارای روابط مفهومی‌اند و در یک سری از عناصر معنایی مشترک هستند و در بعضی از آنها نیز متمایز هستند، برای بررسی روابط مفهومی می‌توان از روش فهم مؤلفه‌های مفهومی بهره‌برد (صفوی، ۱۳۹۷: ۲۸۰). دانشمندان زبان‌شناسی برای بررسی عمیق‌تر واژه‌ها، اجزای معنایی آنها را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌کنند. هر کدام از این بخش‌ها، جنبه‌های خاصی از معنای یک واژه را در ارتباط با ساختار زبانی آن آشکار

می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۷: ۷۸). در واقع، این اجزای معنایی، مجموعه‌ای از خصوصیات هستند که مفهوم یک واژه را شکل می‌دهند و به بیان دقیق روابط معنایی بین کلمات در یک جمله و همچنین روابط مفهومی در سطح واژه‌ها کمک می‌کنند (پالمر، ۱۳۴۶: ۱۴۷). از این اجزای معنایی، مفهوم کلی‌تر و جامع‌تری از یک واژه به دست می‌آید. استخراج این اجزا، یکی از اهداف اصلی در تحلیل معنایی است و می‌توان آنها را از متن یا از زمینه و موقعیت آن به دست آورد (پالمر، ۱۳۴۶: ۱۵۳). در این پژوهش با ارائه یک نگاه کلی از حوزه معنایی واژه‌ی ترقب و سپس بررسی بعضی از واژگانی که در شناخت مؤلفه‌های معنایی آن می‌تواند تأثیرگذار باشند در جهت شناخت معنای این واژه به اهداف مدنظر دستیابی شود.

تحلیل مقایسه‌ای واژگان

در این بخش مشتقات واژه «تَرْقُب» مورد ارزیابی و تحلیل مقایسه‌ای قرار می‌گیرد.

تَرْقُب

هدف اصلی نوشته‌ی مذکور دستیابی به مؤلفه‌هایی است که در شکل‌گیری معنای واژه‌های ترقب و ارتقاب نقش دارند تا بتوان این رهگذر به تفسیر دقیق‌تری از عبارات مربوط به توصیف انتظار دست یافت. از این رو با توجه به این که روایات باب انتظار رویکردی به این دست از آیات داشته‌اند، لازم است پس از به دست آوردن نگاه لغت‌شناسانه به این واژه توجهی به کاربردهای قرانی آن داشت و سپس به نقش آن در اندیشه انتظار پرداخت.

در لغت ریشه رقب و بعضی از دیگر ساخت‌های صرفی آن را با کلمه‌ی انتظار توضیح داده‌اند. ازهری «رقب الانسان» را به معنای «ینتظره» دانسته است (ازهری، ۱۴۲۱ق: ج ۹، ۱۱۲). برخی «ترقب الشیء» را توقع پدید آمدن آن شیء معنا نموده‌اند، با اینکه تعدادی از دانشمندان در آیه‌ی ۹۴ سوره‌ی طه «وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي» را به مراعات کردن توضیح داده‌اند اما صاحب بن اسماعیل در توضیح این آیه از واژه‌ی انتظار استفاده نموده است (صاحب، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۴۰۷). برخی نیز آیه را مطابق با گفته‌ی صاحب بن اسماعیل معنا نموده‌اند. ابن منظور واژه‌ی‌های ارتقب و ترقب را نیز در معنای انتظار و توقع وقوع پدیده‌ها بیان می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴۲۴). توضیحات سایر منابع

متأخر نیز از واژه‌ی رقب با همین بیانات واژگان صورت گرفته است. به عنوان مثال در اساس البلاغه اولین معنایی که برای این ریشه ذکر می‌گردد، انتظار و توقع چیزی را داشتن است (زمخشری، ۱۹۷۹م: ج ۱، ۲۴۴). برای تکمیل بخش معناشناسی لغوی این واژه باید توجه داشت که واژه‌ی رقب از واژگان پرکاربرد زبان عربی است و به دلیل ظرفیت معنایی بالا در جایگاه‌های مختلف و با معانی گوناگون اما نزدیک به یکدیگر به کار رفته است.

برخی از مشتقات این ریشه در معنای مراقبت و محافظت به کار رفته‌اند. به عنوان مثال جوهری واژه‌ی رقیب را هم به معنای منتظر گرفته است و هم به معنای محافظ (جوهری، ۱۳۷۶ق: ج ۱، ۱۳۷) دیگر معنایی که برای این واژه ذکر گردیده اشراف یافتن و علو مکانی است. در شاهد شعری «بِالْجِدِّ حَيْثُ ارْتَقَبْتُ مَعْرَاةً» ارتقبت به معنای اُشْرِفْتُ معنا گردیده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۴۲۵). نکته‌ای که ابن فارس آن را به عنوان وجه مشترک معانی مذکور بیان می‌کند این است که واژه‌ی رقب اصل واحد مطردی است که معنای آن مراعات یک شیء و جمع بودن حواس‌ها نسبت به آن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۴۲۷) با این وصف همه‌ی موارد مذکور از کاربردهایی است که با توجه به قرائن مختلف و نیازهای مقام مخاطب برای واژه ترقب یا ارتقاب مدنظر اهالی زبان قرار گرفته است. وجه مشترکی در نظر ابن فارس برای این کاربردهای مختلف به عنوان معنای لغوی پایه‌ای نسبت به این واژه ذکر می‌شود عبارت است از مراعات یک شیء. کلام ابن فارس اگرچه به همراه استدلال‌ات و شواهدی که مدنظر گوینده بوده است بیان نشده اما می‌توان پس از توجه به کاربردهای مختلف این واژه آن را مبنایی کارشناسانه برای توضیح معنای لغوی این واژگان در نظر گرفت.

۱. اِرْتَقَاب

«اِرْتَقَاب» از «رَقَب» به معنای ایستادن برای مراعات و حفظ چیزی می‌باشد «رَقَب» و «اِرْتَقَب» به معنای انتظار است (ابن درید، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ۶۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۱۰۶؛ مطرزی، بی‌تا: ۱۹۴؛ زمخشری، بی‌تا: ۱۷۲) و در رقیب به معنای حافظ و نگهبان نیز انتظار وجود دارد (طریحی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۷۲). چراکه رقیب در محلی که بر دیگران اشراف دارد، در انتظار نگهبانی است و برخی جمله «رَقَبْتُ الْفَجَرَ» را به معنای انتظار برای طلوع

فجر و «تَرْقُبُهُ» و «إِزْتَقَبُهُ» را به معنای انتظار دانسته‌اند (طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۷۲). لازمه «انتظار» برای یک امر، تأخیر آن می‌باشد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۱۶۸). به نظر برخی محققان «انتظار» به معنای ارتقاب از باب تقریب و تفسیر به لوازم است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ۱۶۸) وی در جای دیگر می‌گوید انتظار، توقع حصول شیء و تَرْقُب انتظار حصول شیء از نزدیک است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۷۱).

۲. تَرْقُب در قرآن کریم

ریشه رقب ۲۳ سه مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. از این تعداد ۷ مرتبه در صیغه‌های مختلف ترقب و ارتقاب بوده است. اگر جستجو برای یافتن کاربردهای قرآنی واژگان مذکور از ابتدای قرآن شروع شود اولین مورد از استعمالات این واژگان در آیه: «وِإِزْتَقِبُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ رَقِيبٌ» (هود: ۹۳). به چشم می‌خورد. در این آیه بیان می‌شود که قوم شعیب با ضعیف دانستن او و قبیله اش او را تهدید به رجم کردند. حضرت شعیب علیه السلام نیز در پاسخ به این تهدید می‌فرماید که با گذر زمان معلوم خواهد شد که چه کسی دچار عذاب خواهد شد. پس شما منتظر آن روز باشید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۹، ۲۱۵). در این آیه برای انتظاری که همراه با تهدید طرف مقابل است از واژه‌ی ارتقاب استفاده شده است. واژه‌ی ترقب نیز در دو آیه‌ی سوره‌ی قصص برای وصف وضعیت حضرت موسی علیه السلام در دو صحنه‌ی مختلف به کار رفته است. یک مورد پس از قتل مرد قبطی و حالتی که ایشان از شب تا به صبح گذرانده و در مورد دیگر در هنگام خروج از شهر، در هر دو مورد واژه‌ی «یترقب» با کلمه‌ی «خائفا»؛ یعنی در حال ترس بودن قرین شده است. مفسرین در توضیح آیه گفته‌اند او مترصد بود که مبادا دستگیر شود (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ۱۷۴). یا گفته‌اند که خوف آن داشت که مبادا کسانی که به دنبال او هستند به او دسترسی پیدا کنند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱۰، ۲۶۸). با این اوصاف در نظر مفسرین نسبت به متعلق ترقب و انتظار اختلاف وجود دارد اما نقطه‌ی مشترک این است که در همه‌ی اینها انتظاری نسبت به یک شیء ناگوار مدنظر مفسرین بوده است. ابن عاشور حقیقت معنای ترقب را انتظار معرفی می‌کند اما آن را در این آیه استعاره از دوری کردن می‌داند. او در ادامه‌ی آیات، فقره‌ای را که دعای حضرت موسی علیه السلام را مبنی نجات از ظالمین نقل می‌کند، بدل اشمال از یترقب می‌داند. یعنی ترقب ایشان همراه با دعا و مناجات با

خدای متعال همراه بوده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۲۰، ۳۶). سخن ابن عاشور اگرچه متفاوت با برداشت‌های دیگر از آیه است اما به نظر می‌رسد وجه استعاره همان ناگواری چیزی است که ایشان توقع داشته‌اند و سبب شده که از جامعه دوری کنند.

واژه‌ی ارتقاب در دو آیه‌ی دیگر از آیات قرآن کریم نیز به کار رفته است. یک مورد از استعمالات مذکور در آیه: ﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ﴾ (دخان: ۱۰) که در حقیقت وعیدی است به عذاب الهی در روزی که آسمان را دودی غلیظ فراگیرد. در آیه گفته شده است که منتظر این روز باشید (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۸، ۲۰۷). در کاربرد دیگر در آیه‌ی ﴿فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾ (دخان: ۵۹) نیز در مقام اتمام حجت دستور به انتظار برای دیدن واقعیت‌ها تا زمان موعود داده شده است.

۳. تَرْقُبْ در روایات

از کاربردهای مختلف واژه‌ی تَرْقُبْ در منابع دینی استفاده از این واژه در بعضی از روایات باب انتظار و مهدویت است. این روایات را با توجه به محتوای آن می‌توان به چند دسته تقسیم نمود که توضیح آنها به طور مختصر در ادامه ذکر می‌گردد. یک دسته روایاتی است که در آن شباهت‌هایی میان امام عصر عجل الله تعالی فرجه و سایر انبیا ذکر می‌کند. وجه مشترک یکی از روایات این است که میان حضرت موسی علیه السلام این روایت میان حضرت موسی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام بیان می‌دارد این است که آیه‌ی ﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ﴾ در مورد ایشان نیز مصداق پیدا می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲۴؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸).

در روایتی دیگر که از کمال الدین نیز دیده می‌شود که در خطبه‌ی امیرالمومنین علیه السلام در مقام بیان بعضی از ویژگی‌های ولی خدا با تعبیر «مُكْتَتِمٌ مُتَرَقِّبٌ» یکی از حالاتی که برای ولی خدا پیش می‌آید ذکر می‌گردد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۳۰۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۹). دسته‌ی دیگر شامل روایت‌هایی است که در توصیف وضعیت منتظرین از واژه‌ی ترقب استفاده شده است و گاهی نیز این واژه به منتظران ولی خدا نسبت داده شده است. تعبیری چون «یترقبه اولیائک» در این باره قابل ذکر است. روایت اول دعای امیرالمومنین علیه السلام است که ایشان در این دعا برای توصیف ولی غایب خدا می‌گویند از تعبیر «یترقبه اولیائک» استفاده نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۳ق: ۵۳۰). البته به نظر می‌رسد آنچه

در این جا از کتاب *دلائل الامامه* نقل می‌شود با آنچه از ابن بابویه نقل گردید حاکی از یک قضیه‌ی واحدی است که با تعبیر متفاوت به کار رفته است. در روایتی دیگر که در کتاب *کمال الدین* نیز ذکر شده است، داستان حضرت هود علیه السلام و انتظار قوم نسبت به ایشان نقل می‌گردد. در این قضیه برای وصف وضعیت انتظار مردمان قوم هود تعبیر «یتربون هودا» به کار رفته است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۳۵). همان‌طور که اشاره شد، روایات با توجه به آیات قرآن کریم مانند تعبیر «خائفًا یتربون» که برای حضرت موسی علیه السلام به کار رفته است، در مورد ایشان نیز ذکر کرده‌اند. با توجه به داده‌های معناشناختی باید گفت که این وصف مربوط به آغاز نهضت عظیم حضرت است که در عین هوشیاری و پیش بردن امور انقلاب بزرگ خود نگران و منتظر حوادث عظیم و ثمرات چشمگیر آن هستند. با توجه به نکات یادشده می‌توان این تعبیر و مثل آن را گویای این دانست که منتظران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نه برای امور جزئی یا مشکلات فردی و انتقام از دشمن منتظر حضرت هستند بلکه به ظهور ایشان به مثابه امری عظیم در مقیاس وعده‌های بزرگ الهی توجه دارند.

انتظار

واژه‌ی انتظار و ساخت‌های مختلف آن در هفت آیه از آیات قرآن کریم استفاده شده است. از جمله: «وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ» (حجر: ۸) و هرگاه نازل شوند، دیگر به اینها مهلت داده نمی‌شود؛ (و در صورت انکار، به عذاب الهی نابود می‌گردند)؛ «قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ» (اعراف: ۱۴-۱۵) گفت: «مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته می‌شوند مهلت ده (و زنده بگذار!)» فرمود: «تو از مهلت داده شدگانی!». واژه‌ی انتظار در زبان فارسی نیز کاربرد فراوانی دارد و برای معنایی لا بشرط از همه‌ی معانی واژگانی که در این حوزه‌ی معنایی معرفی می‌شوند به کار می‌رود. از این رو در این پژوهش به عنوان یک واژه‌ی کلیدی و مهم مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در معناشناسی لغوی این واژه‌ی که اولین قدم در شناخت معنای مراد از این واژه‌ی قرآنی است ابتدا باید اشاره نمود که این واژه از ریشه‌ی «ن ظ ر» و در وزن افتعال از ابواب ثلاثی مزید به کار رفته است. شاخص‌ترین معنایی که واژه‌ی نظر برای انتقال آن به کار رفته است معنای نگاه کردن است. همچنین این واژه با ساخت ثلاثی مجرد خود در

معنای انتظار کشیدن نیز به کار رفته است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ۸۲). به این ترتیب در این بخش هم سخن از انتظار و هم نظر است. این اشتراک معنایی برای این دو واژه‌ی هم‌ریشه در تعداد قابل توجهی از کتب لغت قابل مشاهده است. فیومی نظرتُ الشیء را هم معنا با انتظارته دانسته و برای استعمال واژه‌ی نظر در این معنا به آیه‌ی «ما یُنظرون الا صیحه واحده» تمثیل نموده است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۶۱۲). تعبیر فیومی همانند عبارتی است که پیشتر از او در کتاب العین به کار رفته است و صرفاً تمثیل به آیه در عبارت خلیل وجود ندارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ج ۸، ۱۵۶). ابن منظور نیز تصریح نموده است که واژگان مذکر معنای واحدی دارند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۲۱۶). در توضیحاتی که از کتب دانشمندان علم لغت نسبت به این واژگان به دست می‌آید به نظر می‌رسد که استعمال واژه‌های نظر و انتظار در این معنا فراغ از هر گونه تقیّدی است. گویا همان معنای مطلقی که از این مفهوم در زبان فارسی وجود دارد به وسیله‌ی این واژگان در زبان عربی منتقل می‌شود. بله از جهت ریشه‌شناختی می‌توان به سراغ نسبت میان مفهوم نگاه کردن، با مهلت دادن و انتظار کشیدن رفت و برای این معنایی که همه از ریشه نظر و با معنای نگاه کردن و دیدن است وجوه ارتباطی ذکر کرد؛ اما نکته‌ی قابل توجه این است که در شواهد معنایی و سخنان دانشمندان علم لغت تقیّد خاصی نسبت به این واژه و استعمالات آن دیده نمی‌شود. با این اوصاف در صورت استفاده‌ی متکلم یا گوینده از واژه‌ی انتظار به نظر می‌رسد که او قید یا نکته‌ای را در توصیف انتظار و شرایط آن یا آنچه مورد انتظار است اراده نکرده است. این در حالی است که واژه ترقب یا ارتقاب به تنهایی نیز مقیّد به توضیحی یا قیودی در نحوه‌ی انتظار یا آنچه مورد انتظار است دارد.

تربص

واژه‌ی تربص از ریشه‌ی ربص و در ساخت صرفی ثلاثی مزید به کار رفته است. نکته‌ی جالب توجه نسبت به این واژه کاربرد حداقلی ساخت ثلاثی مجرد آن در زبان عربی است. آنچه از استعمال این ریشه در دسترس است عمدتاً شامل شواهدی است که در آنها از واژه‌ی تربص استفاده شده است. واژه‌ی دیگری که از این ریشه در کتب لغت یاد شده است واژه‌ی «رُبَصَه» است. ابن سیده معنای این کلمه را «تلبث» یعنی ماندن و

متوقف شدن می‌داند (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ج ۸، ۳۱۸). در کتب لغت برای توضیح تربص از واژه‌ی انتظار استفاده کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۳۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ۳۳۸). نکته‌ای که از شواهد استعمال این واژه به دست می‌آید این است که تربص برای انتظار چیزی که وقوع آن در نظر شخص منتظر بسیار محتمل و بلکه قطعی است. بیشتر شواهد قرآنی این واژه بر وجود این مؤلفه‌ی معنایی دلالت دارد. به عنوان مثال در آیه: «قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ» (طور: ۳۱) در نهایت جدال و بحث با دشمنان گفته می‌شود که شما منتظر هلاک ما باشید و ما هم منتظر هلاک شما هستیم (ابن ابی الجوامع، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ۲۵۲). از این عبارات به نظر می‌رسد در این جایگاه بیان می‌شود که هر دو طرف نسبت به موضع خود و حقانیت جایگاهی که قرار گرفته‌اند استوارند و تنها سخنی که باقی ماند انتظار برای گذشت زمان و روشن شدن حقایق است. در واقع هر دو طرف آن واقعه‌ای را که یقینی می‌دانند و عبارت است از هلاکت و بیچارگی طرف مقابل انتظار می‌کشند. آیه‌ی دیگری که در این مقام می‌تواند مورد استناد قرار گیرد آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی توبه است. «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلاَّ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَ نَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» (توبه: ۵۲). در این آیه به دو خیر و نیکی که در جنگ‌ها حتماً یک مورد از آنها برای مؤمنین رخ می‌دهد اشاره می‌شود و بیان می‌گردد که یکی از دو خیر و خوبی در انتظار مومنین است. همچنین در همین آیه بیان می‌شود که برای لشکر کافران فقط عذاب الهی در انتظار است. در این آیه هم به روشنی معلوم است که واقعه‌ی مورد انتظار حتمی است و تنها گذر زمان لازم تا آنچه مورد انتظار است واقع گردد. با این توصیف می‌توان به نسبتی که میان اسم ثلاثی مجرد این ریشه‌ی «ربصه» و تربص وجود دارد پی برد. ربصه به معنای ماندن و توقف کردن است و تربص از همین ریشه به معنای منتظر بودن نسبت به چیزی که به طور حتم رخ می‌دهد است. وجه ارتباط این است که برای رخ دادن چنین چیزی تنها توقف کردن و ماندن در جای خود کافی است و نیاز به هیچ امر دیگری دارد. در همین راستا مثال دیگری که در استعمالات قرآنی وجود دارد انتظار کشیدن زنان مطلقه برای گذران دوران عده‌ی آنان است. در آیات قرآن کریم برای این امر نیز از واژه‌ی تربص استفاده شده است.

مشتقات واژه‌ی تربص ۱۷ مرتبه در قرآن کریم استفاده شده‌اند. در همه‌ی این موارد نیز

معانی یکسان یا بسیار مشابه از این واژه مدنظر بوده است. بالتبع مفسران به خصوص در تفاسیر ادبی و در بررسی های معناشناختی خود نسبت به این واژه ی قرآنی ابراز نظر نموده اند. از جمله ذیل آیه ی: ﴿لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ﴾ (بقره: ۲۲۶). تربص را توقف یا مکث معرفی کردند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۵۲۲؛ خزرجی، ۱۴۲۹ق: ج ۱، ۴۵). گویا تربص نوعی از انتظار است که در آن راهی جزء توقف امور تا رسیدن انتهای زمان وجود ندارد. در آیه ی: ﴿وَتَرَبَّصْتُمْ وَاتَّبَعْتُكُمْ وَالْأَمَانِيُّ﴾ (حدید: ۱۴). واژه ی تربص در کنار واژگانی چون به فتنه انداختن و شک نمودن به عنوان برخی از اشتباهاتی که منافقین مرتکب شده اند معرفی شده است. همنشینی واژه ی تربص با این واژگان سبب شده است که کاربردی متفاوت از سایر کاربردهای قرآن نسبت به این واژه پدید آید؛ زیرا در همه ی موارد موضوعی که باید نسبت به آن توقف شود تا رخ دهد و حتی مدت این توقف معلوم است اما در مورد این آیه سوال می شود که آیا از اساس در همان معنای توقف به کار رفته است و اگر رفته است متعلق آن چیست؟ تلاش هایی نیز برای توضیح معنای واژه تربص در این آیه دیده می شود. بعضی این کاربرد از تربص را معنای به تأخیر انداختن توبه و تسویف دانسته اند (ابن ملقن، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۴۴۹). با این وصف در نظر ایشان تربص در معنای امهال و تأخیر نیز کاربرد یافته است.

برخی متعلق تربص را مطابق به آنچه در آیه ی: ﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ﴾ (توبه: ۹۸). ذکر شده است دوائر و حوادثی بدی می دانند که منافقین برای مومنین آرزو می کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ۴۷۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ج ۱۹، ۱۵۷؛ درویش، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ۴۶۳). طبرسی نیز در تفسیر خود توضیحی مطابق با معنای انتظار و توقف از این واژه ارائه داده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۳۵۵). با این اوصاف به نظر نمی رسد ابهام مذکور در عدم ذکر متعلق و همنشینی تربص با واژگان فتنه و ریب بتواند قرینه ای کافی برای ذکر کاربردی جدید و تأویل معنای لغوی این واژه باشد. مفسرین نیز چنین اعتقادی داشته و متعلق تربص را با قرینه ی سایر آیات به گونه ای که با کلمات همنشین نیز سازگار باشد ذکر کرده اند. در نهایت با توجه به توضیحات مذکور می توان بر این نکته صحنه گذاشت که واژه ی تربص بر نوعی از انتظار دلالت دارد که با کلید واژه ی توقف و ایستایی قابل توضیح است. در حقیقت تربص در جایی به کار برده می شود که در بازه ی زمانی انتظار تا فرارسیدن وقت معلوم شده نیازی

به فعالیت و هوشیاری خاصی نیست و می‌توان آن را فاقد این مؤلفه‌ی معنایی دانست. به بیان دیگر تربص انتظار امری حتمی یا بسیاری محتمل الوقوع است که صرفاً باید منتظر گذر زمان بود تا فرا رسد. این نکته در مقایسه با واژه‌ی ترقب قابل توجه است که در مورد ترقب قضیه بالعکس است. درباره‌ی واژه‌ی ترقب با توجه به پایه‌ی معنای لغوی آن که مراعات کردن و جمع بودن حواس است و با توجه به بعضی کاربردهای مختلف آن در معانی گوناگون که در جای خود ذکر گردید می‌توان گفت که مؤلفه‌ی هوشیاری و توجه به وقایع و حوادث دوران در این واژه دخیل و مورد اراده‌ی گویندگان و متکلمین زبان بوده است.

تَرْصَد

از واژگانی که در قرآنی کریم در رابطه‌ی جانشینی با کلمه‌ی ترقب تعریف می‌شوند، مشتقات ریشه‌ی رصد است. رصد به معنای مراقبت کردن و چیزی را زیر نظر گرفتن. و نیز به معنای مراقب و مراقبت شده آمده است (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۳، ۱۰۱). در واقع رصد همان راهزن است (فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۲۸). مشتقات مختلف این ریشه در ۶ آیه از قرآن کریم به کار رفته‌اند. در آیه‌ی: ﴿وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ﴾ (توبه: ۵). از کلمه‌ی «مَرْصَد» در معنای راه و طریق استفاده شده است (فراء، ۱۹۸۰م: ج ۱، ۴۲۱؛ ابن ملقن، ۱۴۰۸ق: ۱۵۴). در سوره‌ی جن دو مرتبه واژه‌ی «رَصَد» به کار رفته است. در آیه: ﴿فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا﴾ (جن: ۹) رصد به عنوان صفتی برای شهاب‌هایی که برخی جنیان را هدف می‌گیرد استفاده شده است. گفته می‌شود منظور از شهاب تیرهایی است که به سوی شیاطینی که قصد استراق سمع دارند پرتاب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۲۵، ۱۱۲). صفت رصد در آیه به معنای آماده مهیاست. به این معنا بعضی از مفسرین معتقد شده‌اند (ابن ملقن، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۵۰۲؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م: ج ۱۵، ۱۳۵). در آیه‌ی: ﴿فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْن يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ (جن: ۲۷). نیز از کسانی که پیامبر خدا را حفاظت می‌کنند با عنوان رَصَد یاد شده است. در این استعمال به نظر می‌رسد معنای مراقب و نگهبان از این واژه اراده شده است (حسینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۷۲). دو کاربرد دیگر این ریشه در قالب واژه‌ی مرصاد صورت گرفته است. در آیه: ﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ (نبا: ۲۱). مرصاد وصفی برای جهنم دانسته شد است. دو معنا برای آیه گفته

می‌شود. یکم این که جهنم برای کافرین مهیاست؛ دوم این که مرصاد به معنا ترقب دانسته شود و گفته شود جهنم منتظر کافرین است (خازن، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ۳۸۷). کاربرد دیگر واژه‌ی مرصاد در آیه: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ» (فجر: ۱۴). در این آیه با تعبیری کنایی و تهدیدآمیز گفته شده است که خدای متعال در مرصاد قرار دارد. در توضیح آیه‌ی مذکور واژه‌ی مرصاد در آیه را به کلمه‌ی فارسی کمین‌گاه ترجمه کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۹۳). به بیان تفسیر صافی که به وسیله‌ای واژه‌ی عربی دیگری آن را توضیح داده است مرصاد پروردگار در مکان ترقب است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۳۲۵). در توضیح کامل‌ترین بیانی قرآنی لازم به ذکر است که تعبیر آیه بدین معناست که خدای متعال تمام افعال آدمیان را می‌بیند و سخنان آنان را می‌شنود (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ۱۱۵). در مجموع با توجه به این استعمالات قرآنی می‌توان گفت که معانی ترقب، تهیاً، مراقبت و انتظار از این واژه اراده شده است. در حقیقت معنای انتظاری که از کلمه‌ی رصد فهمیده می‌شود با توجه کلمات مذکور دارای قید و توضیح است. با این وصف می‌توان گفت که واژه‌ی رصد به دسته‌ای از مصادیق انتظار دلالت دارد که آمادگی برای واکنش نسبت به وقوع حادثه‌ی قابل پیش‌بینی یا مراقبت نسبت به جلوگیری از وقوع و دفع آن مدنظر گوینده یا نویسنده بوده است. در حقیقت با توجه به آنچه در معناشناسی لغوی و کاربردهای قرآنی ذکر گردید، در توضیح مؤلفه‌ی ممیزه‌ی واژه‌ی رصد کلیدواژه‌ی کمین گرفتن در زبان فارسی می‌تواند گویای معنای واژه‌ی رصد باشد. این نکته در مقایسه با واژه‌ی ترقب بدین صورت قابل توضیح است که در واژه‌ی ترقب یا ارتقاب کمین گرفتن برای ضربه زدن یا پدید آمدن اتفاقی جزئی مدنظر نیست بلکه از شواهد استعمالات و تحلیل این واژه به همراه کلمات همنشین آن بر می‌آید که در ارتقاب توجه و هوشیاری نسبت به وقایع عظیم و تحولات زمانه مدنظر گویندگان و نویسندگان بوده و در این جایگاه استفاده می‌گردد.

صبر از واژگان پرکاربرد قرآن کریم است. این کلمه با داشتن معنایی که در حوزه‌ی معنای انتظار قرار می‌گیرد بیش از ۱۰۰ مورد کاربرد در قرآن کریم دارد. در کتب لغت صبر؛ یعنی حبس (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۳۲۹)؛ نگهداشتن نفس و خودداری کردن از

جزع (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۴۳۸؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۳۳۱؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ج ۱، ۴۷۴). وقتی صبور به عنوان یکی از اسماء الهی به کار می‌رود بدین معناست که او در انتقام از اهل معصیت عجله نمی‌کند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۳، ۷). این بیان اخیر از کاربردهای واژه‌ی صبر، آن را به حوزه‌ی معنای انتظار نزدیک می‌کند. عدم شتابزدگی تا رسیدن زمان مناسب نکته‌ای است که از مندرجات مشترک در مفاهیم صبر و انتظار است. در یک توضیح کلی تر به نظر می‌رسد مفهوم صبر در نقطه‌ای که به طور پرننگ تری مفهوم توقف عمل تا رسیدن یک زمان مطلوب را می‌رساند با مفهوم انتظار و ترقب و بعضی واژگان آن هم جهت است و در محور جانشینی با آنها قرار می‌گیرد. با این وصف آیاتی نظیر آیه‌ی: «فَاصْبِرُوا حَتَّى يَخُكَّمَ اللَّهُ بَيْنَنَا» (اعراف: ۸۷) و نیز آیه: «وَاصْبِرْ حَتَّى يَخُكَّمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (یونس: ۱۰۹) که پس از ارائه‌ی دستورات مختلف دستور به صبر تا زمان فرا رسیدن حکم، داده می‌شود از جمله کاربردهای واژه‌ی صبر است که مؤلفه‌ی نزدیک به مؤلفه‌های مفهوم انتظار در آن پرننگ است. علی رغم وجود قرابت معنایی مذکور میان واژگان می‌توان گفت که گوینده در کاربرد واژه‌ی صبر برای انتظار امری مُتَوَقَّع بیشتر بر تحمل سختی‌ها و آزار اشیای اذیت‌کننده دارد. در نقطه‌ی دیگر واژه‌ی ترقب وجود دارد که به تنهایی حاکی از تحمل سختی‌ها و تلخی‌ها نیست بلکه بر انتظار برای فرارسیدن حادثه‌ای عظیم و پدید شگفت‌آور دلالت دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی لغوی این واژه‌ی ترقب همان‌طور که بعضی از دانشمندان تصریح نموده‌اند، نخ تسبیح معانی لغوی مذکور برای این واژه نکته‌ی مراعات و دقت نسبت به یک شیئی یا یک فرد است که معنای انتظار، محافظت و اشراف نیز با توجه به این معنا از کلمه‌ی رقب در موارد مختلف اراده شده است.

در بررسی روابط مفهومی با واژه‌ی ترقب و ارتقاب بدین نکات دست یافته شد که کاربرد واژه‌ی ترقب یا ارتقاب در معنای انتظار فاقد مؤلفه‌ی معنایی نگرانی و ترس است. همچنین معلوم گردید که متعلق انتظار در کاربردهای واژه‌ی ترقب یا ارتقاب امری عظیم و حادثه‌ای قابل توجه است.

برای تبیین محتوایی که روایات باب مهدویت با استفاده از ترقب یا ارتقاب ارائه

می دهند بدین نکته تأکید شد که وصف «خائفا یترقب» که در مورد امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف همچون حضرت موسی علیه السلام به کار رفته است مربوط به مراحل آغازین قیام ایشان است که منتظر وقوع رویدادهایی عظیم در آغاز نهضت جهانی خود هستند. همچنین تأکید گردید که ترقب منتظران شامل این مؤلفه است که ایشان نه برای حوائج جزئی بلکه برای امری عظیم انتظار ولی خدا را می کشند و در هنگام انتظار نسبت به وقایع هوشیاری کامل نسبت به اوضاع و شرایط عصر و روزگار خود دارند.

در بررسی های این واژگان در محور مقایسه ای میان ترقب و ارتقاب و میان کلمات قرآنی جانشین آن؛ یعنی انتظار، تربص، رصد و صبر صورت گرفت. در این مسیر تأکید گردید که این دو کلمه برخلاف واژه ای انتظار بر مفهوم انتظار به طور مطلق دلالت ندارند و مقید به ظرائفی در معنای خود هستند که گوینده یا نویسنده آن را اراده می کند. در مقایسه با واژه ای تربص تأکید شده است که صرف توقف تا رسیدن به امری حتمی الوقوع در مؤلفه های معنایی واژه ای تربص وجود دارد که واژگان ترقب و ارتقاب فاقد این نکته است بلکه در نقطه ای مقابل به خصوص با توجه پایه ای معنای لغوی آن دارای مؤلفه ای هوشیاری و توجه نسبت به وقایع زمانه است. در مقایسه با واژه رصد بر این نکته تصریح شد که در واژگان ترقب و ارتقاب آنچه پررنگ است هوشیاری از جریانات زمانه و برای فرارسیدن امری بزرگ است حال آن که در واژه ای رصد متعلق هوشیاری به نظر نمی رسد که وقایع کلان باشد بلکه حوادث جزئی و خاص متعلق قرار می گیرد. با این وصف می توان گفت رصد بر نوعی از انتظار دلالت دارد که با کلید واژه ای در کمین بودن، تبیین می شود. در نهایت در مقایسه با واژه ای صبر بیان گردید که تحمل سختی ها تا رسیدن زمان موعود از مؤلفه های اصلی کاربردهای واژه ای صبر در محور جانشینی ترقب است که معلوم گردید که واژه ای ترقب بر تحمل مشکلات و سختی ها در بازه ای که تا رسیدن مشکلات فرصت است دلالتی ندارد.

منابع

قران کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). «کمال الدین و تمام النعمه»، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.

- ابن درید، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). «*جمهره اللغة*». محقق: رمزی بعلبکی. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). «*المحكم والمحیط الأعظم*»، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن (۱۴۰۴ق). «*معجم مقاییس اللغة*»، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). «*لسان العرب*»، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). «*تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن ملقن، عمر بن علی (۱۴۰۸ق). «*تفسیر غریب القرآن*»، چاپ اول، بیروت: عالم الکتاب.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). «*تهذیب اللغة*»، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). «*روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*»، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). «*أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*»، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پالمر، فرانک (۱۳۴۶). «*نگاهی تازه به معنی شناسی*»؛ مترجم، کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). «*الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربیه*»، بیروت: دارالعلم للملایین.

- خازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق). «تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل»، چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد علي بيضون.
- خزرجي، احمد بن عبد الصمد (۱۴۲۹ق). «تفسير الخزرجي المسمى نفس الصباح في غريب القرآن و ناسخه و منسوخه». چاپ اول، بيروت: دارالكتب العلميه، منشورات محمد علي بيضون.
- درويش، محي الدين (۱۴۱۵ق). «اعراب القرآن الكريم و بيانه»، حمص: الارشاد.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، «مفردات ألفاظ القرآن»، چاپ اول، بيروت: دارالقلم.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی تا). «اساس البلاغه»، تحقيق: عبد الرحيم محمود، بی جا: بی نا.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). «الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقوال في وجوه التأويل»، بيروت: دارالكتاب العربي.
- سجستاني، ابوبکر (۱۴۱۶ق). «غريب القرآن»، تحقيق: محمد اديب، چاپ اول، قاهره: دارقريبه.
- سيدکريمی حسینی، عباس (۱۳۸۲). «تفسير عليين»، چاپ اول، قم: اسوه.
- صاحب، اسماعيل بن عباد (۱۴۱۴ق). «المحيط في اللغة»، چاپ اول، بيروت: عالم الكتب.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۷). «درآمدی بر معناشناسی»، چاپ ششم، تهران: سوره ی مهر.
- طباطبایی، محمد حسين (۱۳۹۰ق). «الميزان في تفسير القرآن»، چاپ دوم، بيروت: مؤسسه الأعلمي للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). «مجمع البيان في تفسير القرآن»، چاپ سوم، تهران:

ناصر خسرو.

- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). «جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)»، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.

- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۶ق). «مجمع البحرین»، تحقیق محمد کاظم طریحی، چاپ دوم بیروت، دارالاضواء.

- طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، چاپ اول، قاهره: نهضة مصر.

- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). «الغیبه (للطوسی) / کتاب الغیبه للحجه»، چاپ اول، قم: دارالمعارف الإسلامیه.

- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰م). «معانی القرآن»، چاپ اول، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). «کتاب العین»، چاپ اول، قم: نشر هجرت.

- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق). «قاموس المحيط»، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). «تفسیر الصافی»، چاپ دوم، تهران: مکتبة الصدر.

- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی»، چاپ اول، قم: موسسه دارالهجره.

- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). «قاموس قرآن»، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- مصطفوی، حسن (۱۳۷۴). «التحقیق فی کلمات القرآن»، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مطرّزي، ابوالفتح ناصر بن عبدالسید (بی تا). «المغرب فی ترتیب المعرب»، بیروت: دارالکتب العربیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). «تفسیر نمونه»، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.